

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۱۰/۱۳

موضوع: پاسخ اجمالی، به سه شبهه اساسی!

(پاسخ به شبهات، مسجد حضرت زینب پردیسان)

فهرست موضوعات این سخنرانی:

بیانیه آیه الله حسینی قزوینی به مناسبت شهادت سردار سلیمانی!

شبهه خواستگاری امیرالمؤمنین از دختر ابوجهل و غضب حضرت زهرا!!!

چرا نام امام علی در قرآن کریم به صراحت ذکر نشده است؟

آیا «خواب» و «استخاره» از راههای شناخت امام است؟!

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمدلله و الصلاة علی

رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله الحمدلله

الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله

خدا را بر تمام نعمت‌هایش به ویژه نعمت ولایت اهل‌بیت عصمت و طهارت سپاس می‌گوییم.

قبل از آغاز سخن شهادت سردار بزرگ اسلام و مایه فخر جهان تشیع و مایه سربلندی شیعیان و آزاد اندیشان و

مجاهدان در سراسر جهان، حاج قاسم سلیمانی را به پیشگاه مقدس مولایمان حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا

لتراب مقدمه الفداء) و مقام معظم رهبری و تمام فرماندهان و هم‌زمان آن شهید و کلیه مجاهدین مقاومت و ملت
غیور و سرافراز ایران به ویژه خانواده معزز شهدا، بالأخص شهدای مدافعین حرم تبریک و تسلیت می‌گوییم.

بیانیه آیه الله حسینی قزوینی به مناسبت شهادت سردار سلیمانی!

ما هم به مناسبت این اتفاق ناگوار، بیانیه‌ای در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» گذاشتیم که بخشی از
این بیانیه را خدمت شما قرائت می‌کنم:

"بدون تردید آمریکا بزرگترین اشتباه خود را در طول تاریخ مرتکب شد و با این کار زمینه نابودی خود را به دست
خود فراهم ساخت و مصداق اتم:

(يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ)

خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند.

سوره حشر (۵۹): آیه ۲

قرار گرفت. نه تنها عراق و خاورمیانه، بلکه سراسر جهان را قبرستان سربازان و ژنرال‌های خود قرار داد که از هم
اکنون باید به فکر ساختن تابوت برای به درک واصل شدگان خود باشد.

اگر آمریکا تصور می‌کند که با قتل «سردار شهید سلیمانی» می‌تواند مسیر مقاومت را متوقف کند، به یقین سخت
در اشتباه است. از هر قطره خون «شهید سلیمانی» صدها و هزاران «سلیمانی» برخوانند خواست.

آمریکا و وهابیت تکفیری بدانند آن شعار پاک برخاسته از روح شیعه «إِنَّ الْحَيَاةَ عَقِيدَةٌ وَ جِهَادٌ» و آن سخن جاودانه
رهبر آزادگان که فرمود:

«وَأِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۴۴، ص

۱۹۲، ح ۴

تا ابد در فضای گیتی طنین افکن است. آن فرهنگ مقدسی که «شهید سلیمانی» را تربیت کرد و تحویل جامعه داد، می‌تواند هزاران «سلیمانی» تربیت کند.

بهترین سخن زبینه این شهید والا مقام، همان سخن امام پاکان، حضرت امیرالمؤمنین در حق «مالک اشتر» می‌باشد که پس از شهادت «مالک»، به پهنای صورتش اشک ریخت و فرمود:

«أَلَا إِنَّ مَالِكَ بْنَ الْحَارِثِ قَدْ قَضَى نَحْبَهُ وَ أَوْفَى عَهْدَهُ وَ لَقِيَ رَبَّهُ فَرَجِمَ اللَّهُ مَالِكًا»

خدا مالک را رحمت فرماید که بعهده خود وفاء نمود و مدتش را بپایان رسانید و پروردگارش را ملاقات کرد.

«لَوْ كَانَ جَبَلًا لَكَانَ فِنْدًا وَ لَوْ كَانَ حَجْرًا لَكَانَ صَلْدًا»

خدا مالک را جزای خیر دهد و چگونه بود مالک، که اگر کوه بود کوهی عظیم و بزرگ بود، و اگر سنگ بود سنگی سخت بود.

«لِلَّهِ مَالِكٌ وَ مَا مَالِكٌ وَ هَلْ قَامَتِ النِّسَاءُ عَنْ مِثْلِ مَالِكٍ وَ هَلْ مَوْجُودٌ كَمَا لِكِ»

آیا یاوری مانند مالک دیده می‌شود؟ آیا مانند مالک کسی هست، آیا زنان از نزد طفلی بر می‌خیزند که مانند

مالک شود؟

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۳، ص

۵۹۱، ح ۷۳۵

حضرت در عبارت دیگر می‌فرماید:

«أَمَّا وَاللَّهِ لِيَهْدِنَّ مُؤْتِكَ عَالَمًا وَ لِيَفْرِحَنِّ عَالَمًا»

خدا سوگند مرگ توای مالک جهانی را ویران و جهانی را شاد می‌سازد.

«عَلَى مِثْلِ مَالِكِ فَلْتَبِكِ الْبَوَاكِي»

بر مردی مانند مالک باید گریه کنندگان بگریند.

«وَهَلْ مَرْجُوُّ كَمَا لِكِ وَ هَلْ مُوجُودٌ كَمَا لِكِ»

آیا یآوری مانند مالک دیده می‌شود؟ آیا مانند مالک کسی هست؟

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۳۳، ص

۵۵۶، ح ۷۲۲

در پایان باید گفت:

«وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَ آلُ مَرْوَانَ»

نسل آل زیاد و آل مروان در کنار اربابان آمریکایی و صهیونیستی، اظهار شادمانی می‌کنند، اما بدانند در آینده نه

چندان دور، دست‌های توانمند مقاومت در سراسر جهان، آنچنان انتقام سختی خواهند گرفت که شادی آنان را به

عزای دو چندان مبدل خواهند کرد! به امید آن لحظاتی که خون پاک شهید سلیمانی عزیز و شهدای در رکابش، زمینه نابودی صهیونیسم جنایتکار را فراهم کند و برای همیشه کشور اسرائیل غاصب را از نقشه زمین محو کند." صلواتی ختم بفرمایید.

این بخشی از بیانیه‌ای بود که ما در سایت «مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر» به مناسبت شهادت این بزرگوار قرار دادیم. دوستان می‌توانند با مراجعه به سایت، این بیانیه را ملاحظه کنند.

بنده توفیق داشتم بیش از سی سال در بخش آموزش در خدمت این عزیزانمان بودم. همچنین در بعضی از کلاس‌هایی که در رابطه با وهابیت داشتیم، «شهید سلیمانی» هم شخصاً حضور داشتند.

الحمدلله رب العالمین از میان سه فرزندم، دو تن از آنان در خدمت این عزیزان هستند. یکی از فرزندانم دو روز پیش از سوریه برگشتند. الحمدلله رب العالمین خدا را شاکرم که به ما توفیق داد نخودی به آتش رزمندگان و مجاهدین به ویژه مدافعین حرم ریخته باشیم.

بازهم خدا را شاکرم با توان ناقصی که داشتم، برای شهدای مدافعین حرم و خانواده شهدای فاطمیون و زینبیون، توانستیم در قم با آبرویی که اهل بیت به ما دادند حدود هشتاد خانواده را صاحب خانه ملکی کنیم.

چندی قبل «سردار سلامی» فرمانده کل سپاه، نامه تقدیری فرستادند که بنده نه انتظار آن را داشتم و نه توقع آن را داشتم، اما ایشان لطف کرده بودند.

هفته گذشته بنده با بعضی از دوستانمان در اروپا و کانادا تماس داشتیم. آن‌ها به من توصیه کردند ما آماده هستیم برای شهدای مدافعین حرم به ویژه عزیزان فاطمیون و زینبیون برای تهیه مسکن و برطرف کردن مشکلات مادی در حد توان کمک کنیم.

آن‌ها بهترین عزیزشان و سایه بالای سرشان را از دست دادند و قدم‌های ما شاید ارزش و قابلی نباشد در برابر خدماتی که این عزیزان انجام دادند.

به تعبیر مقام معظم رهبری همه شهیدان عزیز و بلند مقام هستند، اما شهدای مدافعین حرم از یک مقام بالاتری برخوردار هستند.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش سپاس می‌گوییم. باشد که وهابیت تکفیری و داعش بین المللی با رهبران پلیدشان برای همیشه از صفحه گیتی محو شوند و دنیا نفس راحتی از دست آنها بکشد.

در جلسه گذشته از عزیزان خواسته بودیم اگر سؤالاتی دارند، مطرح کنند و ما بتوانیم در حد توان در این بخش آنگونه که می‌شود در خدمتشان باشیم.

نزدیک پنجاه سؤال به دست بنده رسید که ما به هفت یا هشت مورد آن پاسخ دادیم. بنده امشب بدون هیچ مقدمه‌ای به بعضی از سؤالاتی که عزیزان هفته گذشته تقدیم کرده بودند، می‌پردازم.

شبهه خواستگاری امیرالمؤمنین از دختر ابوجهل و غضب حضرت زهرا!!!

پرسش:

وهابی‌ها نسبت به ازدواج امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) با دختر «ابوجهل» نقل می‌کنند که حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) غضبناک شد و حدیث:

«فَاطِمَةُ بَضَعَتْ مِنِّي فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١٣٦١، ح

٣٥١٠

را فرمود و این مایه ناراحتی حضرت شد. در کتاب «بحار الانوار» و برخی دیگر از کتب ما هم این حدیث آمده است.

آیا این قضیه صحت دارد، یا خیر؟

پاسخ:

یکی از شبهاتی که در طول چهل سال اخیر، وهابیت در فضای مجازی و ماهواره‌هایشان مطرح می‌کنند، همین قضیه خواستگاری حضرت امیرالمؤمنین از دختر «ابوجهل» است.

آن‌ها در بن بستی قرار گرفته‌اند و راه گریز از این بن بست ندارند، جز فرافکنی و شبهه افکنی! وهابیت دریافتند در کتاب «صحيح بخارى» و «صحيح مسلم» روایتی وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمود:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَعْزَبَهَا أَعْزَبَنِي»

فاطمه پاره تن من است، هرکسی فاطمه را به غضب آورد مرا به غضب آورده است.

همچنین در کتاب «صحيح مسلم» وارد شده است:

«إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُؤْذِنِي مَا آذَاهَا»

فاطمه پاره وجود من است، هرچیزی مایه آزار او باشد، مرا اذیت کرده است.

صحیح مسلم، المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسین القشیری النیسابوری، الناشر: دار إحياء التراث العربی

– بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۴، ص ۱۹۰۳، ح ۲۴۴۹

وهابیت این روایات را در یک طرف می‌بینند. از طرف دیگر بازهم در کتاب «صحیح بخاری» جلد ۳ صفحه ۱۱۲۶ حدیث ۲۹۲۶ وارد شده است:

«فَعَضِبَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُؤْفَيْتَ»

حضرت فاطمه زهرا از ابوبکر غضبناک شد و با او قهر کرد و تا آخر عمر با ابوبکر سخن نگفت.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن

کثیر، الیمامة – بیروت – ۱۴۰۷ – ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۳، ص ۱۱۲۶، ح

۲۹۲۶

از طرفی پیغمبر اکرم می‌فرماید که غضب فاطمه غضب من است. از طرفی حضرت فاطمه زهرا از ابوبکر غضبناک است. از طرفی هم قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید با قومی که خداوند آنها را مورد غضب قرار داده دوستی نکنید.

سوره ممتحنه (۶۰): آیه ۱۳

به فرموده قرآن کریم کسانی که خداوند بر آنها غضب کرده است را به عنوان ولی و خلیفه و امام خویش قرار ندهید.

بنابراین اینها فرافکنی کردند که اصلاً قضیه روایت «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي» در رابطه با ابوبکر نیست، بلکه در رابطه با امیرالمؤمنین است!!

علی بن ابی طالب به خواستگاری دختر «ابوجهل» رفته بود، حضرت فاطمه زهرا شنید و ناراحت شد و خدمت پیغمبر اکرم آمد و گریه کرد. رسول اکرم هم فرمودند:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

در کتاب «صحیح بخاری» و کتابهای متعدد دیگر روایاتی آمده است که بنده تنها به بخشی از این قضایا اشاره می‌کنم. این قضیه اولاً در دو آدرس «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» که عرض کردم آمده است:

«فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

که اشاره به قضیه خواستگاری حضرت امیرالمؤمنین نسبت به دختر «ابوجهل» ندارد. در اینجا اجازه بدهید بنده به صورت مستند برای عزیزان بیاورم که چگونه وهابیت روی این قضیه از هیچ، بساطی ساختند.

«ابن تیمیه» رهبر معنوی وهابیت در کتاب «منهاج السنة النبویة» جلد چهارم صفحه ۲۵۱ این روایات را می‌آورد. البته اگر کسی به این روایات مراجعه کند، ساختگی و جعل حدیث از خود روایت کاملاً مشخص است.

در کتاب «صحیح بخاری» وارد شده است که پیغمبر اکرم می‌فرماید:

«إِنَّ بَنِي هِشَامِ بْنِ الْمُغِيرَةَ اسْتَأْذَنُوا فِي أَنْ يَنْكَحُوا ابْنَتَهُمْ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، فَلَا آذَنُ، ثُمَّ لَا آذَنُ، ثُمَّ لَا آذَنُ،

إِلَّا أَنْ يَرِيَدَ ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنْ يَطْلُقَ ابْنَتِي وَيَنْكَحَ ابْنَتَهُمْ»

دودمان ابوجهل می‌خواهند دختر خود را به عقد علی بن ابی طالب درآورند، هرگز اجازه نمی‌دهم، مگر این که علی بن ابی طالب دختر مرا طلاق دهد و بعد با دختر ابوجهل ازدواج کند.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار ابن کثیر، الیمامة - بیروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج ۵، ص ۲۰۰۴، ح ۴۹۳۲

این روایت قبل از اینکه اهانت به امیرالمؤمنین باشد، به پیغمبر اکرم اهانت کرده است. قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً

و اگر می‌ترسید از اینکه (به هنگام ازدواج با دختران یتیم) رعایت عدالت در باره آنها نکنید (از ازدواج با آنان صرف نظر نمائید و) با زنان پاک (دیگر) ازدواج کنید، دو یا سه یا چهار همسر، و اگر می‌ترسید عدالت را (در باره همسران متعدد) رعایت نکنید تنها به یک همسر قناعت نمائید.

سوره نساء (۴): آیه ۳

طبق این روایت رسول گرامی اسلام در حد یک عوام هم تحمل ندارند و به امیرالمؤمنین می‌فرمایند که اگر می‌خواهی ازدواج کنی، اول باید دختر مرا طلاق دهی! در ادامه وارد شده است:

« فَإِنَّمَا هِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي يُرِيدُنِي مَا أَرَاهَا وَيُؤْذِينِي مَا آذَاهَا »

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٥، ص ٢٠٠٤، ح

٤٩٣٢

زمانی که «أم الفضل» دختر «مأمون» نزد او آمد و گفت: امام جواد قصد دارد زنی دیگر انتخاب کند؛ مانع شو و نگذار چنین کاری کند، زیرا این کار مایه ناراحتی من است. «مأمون» به دخترش گفت: من تو را به امام جواد ندادم تا حکم قرآن را زیر پا بگذارم. قرآن کریم می فرماید:

فَأَنْكَحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مِمَّنِّي وَ ثَلَاثَ وَ رُبَاعَ

اگر امام جواد همسر دیگری اختیار کرد و عدالت را رعایت نکرد، حق اعتراض داری. «أم الفضل» گفت: قطعاً امام جواد عدالت را رعایت می کند. «مأمون» گفت: پس من چنین دخالتی نمی کنم. یعنی - نستجیر بالله - رسول گرامی اسلام به اندازه «مأمون عباسی» هم از شریعت برداشتی نداشته است. این روایت بالاترین توهین به رسول اکرم است.

در روایت دیگر آمده است:

«وَاللَّهِ لَا تَجْتَمِعُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ وَبِنْتُ عَدُوِّ اللَّهِ أَبَدًا»

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ١٤٠٧ - ١٩٨٧، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ٣، ص ١١٣٢، ح

٢٩٤٣

داستان‌هایی که در این زمینه درست کردند، یکی دوتا نیست. بنده تنها خیلی خلاصه خدمت آقایان عرض کنم که اهل سنت جمله جالبی نسبت به راوی که این قضیه را ساخته است، آوردند.

همه جا روایت از فردی به نام «مسور بن مخرمه» است. «توفیق أبو علم» یکی از علمای بزرگ دانشگاه الأزهر می‌نویسد: این خواستگاری قبل از ولادت امام حسن (علیه السلام) بوده است. یعنی در سال دوم هجرت اتفاق افتاده است، در حالی که «مسور بن مخرمه» هم در همان سال به دنیا آمده است.

به عبارت دیگر زمانی که این خواستگاری صورت گرفته است، ناقل روایت یا در شکم مادرش بوده و یا طفلی شیرخوار بوده است! حساب کنید کسی که این روایت را ساخته است، در آن زمان اصلاً به دنیا نیامده بود.

«ابن تیمیه» انسانی بی عقل است و ما هم کاری با او نداریم، اما «ابن حجر» و دیگران که این روایت را نقل کردند خودشان هم می‌گویند که ولادت «مسور» دو سال بعد از هجرت اتفاق افتاده است.

زمانی که پیغمبر اکرم از دنیا رفت، «مسور» هشت سال داشت. او به قدری بی عقل بود که خودش نقل می‌کند: وقتی در مدینه مسجد می‌ساختند، ما داشتیم برای ساختن مسجد سنگ می‌بردیم. من لنگی به خود بسته بودم که باز شد و لخت مادرزاد می‌رفتم. وقتی پیغمبر اکرم مرا دید، به من گفت که برگرد لنگ خود را بپوش و بعد سنگ ببر!

او اینقدر فهم و شعور ندارد که بفهمد نباید جلوی پیغمبر اکرم و صحابه لخت مادرزاد برود. این شخص با این سطح از درک و شعور چنین داستانی درست کرده است.

نکته دیگر که من می‌خواهم بحث را طولانی نکنم، این است که «ابن حجر» و دیگران نوشتند که «جویریہ» نام دختر «ابوجهل» است. «جویریہ» تا سال فتح مکه یعنی شش سال بعد از این خواستگاری، کافر بوده است و بعد از فتح مکه مسلمان شده است.

این روایت به این معناست که امیرالمؤمنین از یک دختر کافره خواستگاری کرده بود؟! او بلافاصله بعد از اینکه مسلمان شد، با حاکم مکه ازدواج کرد و تا آخر عمر هم به مدینه نیامد.

این قضیه به قدری مفتضح و در دروغ پیچیده است که اگر کسی با الفبای معارف دینی و الفبای حدیث شناسی آگاهی داشته باشد، می‌داند که این قضیه سراپا دروغ و افتراست. این از این جهت!

حال در خصوص اینکه عزیزمان پرسیدند این عبارت در کتب شیعه هم آمده است. البته بنده آخر جلسه گذشته خدمت ایشان هم عرض کردم که ما این روایت را در کتب شیعه داریم، اما اگر قدری دقت کنند مصداق «حفظت شیئا و نسیت اشیئا» است.

«مرحوم شیخ صدوق» این روایت را می‌آورد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید که انبیاء الهی همواره در معرض تهمت بودند.

«أَلَمْ يَسُبُّوا دَاوُدَ إِذْ كَانَ فِي الْبَلَدِ إِذْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ أَوْرِيَاءَ فَهَوِيَهَا وَ أَنَّ قَدَمَ زَوْجِهَا أَمَامَ الثَّابُوتِ حَتَّى قُتِلَ ثُمَّ تَزَوَّجَ بِهَا»

آیا دشمنان حضرت داود به او نسبت ندادند که به زن حوریاء نگاه کرد، عاشق او شد و حوریاء را به جنگ فرستاد تا کشته شود تا با زن او ازدواج کند؟

آیا دشمنان به حضرت موسی نگفتند که او عنین بوده و مردانگی نداشت؟ آیا دشمنان به دیگر انبیاء الهی نسبت بد ندادند؟ آیا دشمنان به حضرت مریم نگفتند که مریم با نجاری که یوسف نام داشت، رابطه نامشروع داشت و حضرت عیسی از آنجا به دنیا آمدند؟

آیا دشمنان به پیغمبر اکرم نگفتند که او شاعر و دیوانه است؟ آیا دشمنان به پیغمبر اکرم نسبت ندادند که با زن «زید بن حارث» مناسباتی داشت؟

ایشان سپس می نویسد:

«أَلَمْ يُسَبِّهُوَ إِلَى أَنَّهُ عَزَّادٌ أَنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَةَ أَبِي جَهْلٍ عَلَى فَاطِمَةَ»

آیا به علی افترا بستند که قصد داخل با دختر ابوجهل ازدواج کند؟

الأمالی، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: کتابچی، تهران؛ ص ۱۰۳، ح ۳

شما را به امام زمان سوگند می‌دهم. شما را به دینتان سوگند می‌دهم. آقایان وهابی! شما را به «محمد بن عبدالوهاب» یا «ابن تیمیه» سوگند می‌دهیم، آیا این روایت در کتاب شیعه برای تأیید قضیه آمده است؟! من تعجب می‌کنم بعضی از جوانان ما همینطور که از یک ماهواره یا فضای مجازی این قضایا را می‌شنوند، با خود می‌پندارند که این مطالب در کتب ما هم آمده است. بله این مطالب در کتب ما هم به این صورت آمده است. آیا می‌توانیم آن را ملاک قرار دهیم؟

در رابطه با «فرعون» آیات زیادی در قرآن آمده است. آیا این دلیل بر این است که «فرعون» مورد تأیید قرآن کریم است؟ در رابطه با «فرعون» آیاتی در قرآن کریم آمده است، اما همه آیات در مذمت اوست. همچنین در رابطه با «نمرود» آیاتی در قرآن کریم آمده است، اما در مذمت اوست.

قضیه ازدواج و خواستگاری حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) از دختر «ابوجهل» آمده است، اما به عنوان اینکه این قضیه یک تهمت ناجوانمردانه‌ای بود که به امیرالمؤمنین زدند همانطور که به پیغمبر اکرم نسبت «جنون» و «سحر» دادند.

به امیرالمؤمنین تهمت زدند، همانطور که به حضرت داوود و حضرت عیسی و حضرت مریم تهمت و افترا بستند. این مطالب در حقیقت بخشی از پاسخی است که نسبت به این شبهه مطرح می‌شود.

البته حرف بسیار زیاد است و همین یک شبهه چندین جلسه زمان نیاز دارد تا انسان حق مطلب را ادا کند، اما من به همین اندازه اکتفا می‌کنم.

چرا نام امام علی در قرآن کریم به صراحت ذکر نشده است؟

پرسش:

چرا نام امام علی یا سایر ائمه اطهار در قرآن کریم به صراحت ذکر نشده است؛ در حالی که امر امامت در شیعه جزو اصول دین است.

پاسخ:

برادر بزرگوارم همین عبارت را از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردند. روایت در کتاب «کافی» جلد اول صفحه ۲۸۶ آمده است که روایت صحیحی است. روایت چنین است:

«إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ فَمَا لَهُ لَمْ يَسْمَعْ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ»

مردم می‌گویند: چرا خداوند علی و اهل بیت او را در قرآن نام نبرده است؟

«فَقَالَ قُولُوا لَهُمْ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ نَزَلَتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ لَمْ يَسْمَعْ اللَّهُ لَهُمْ ثَلَاثًا وَ لَا أَزْبَعًا حَتَّى كَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ»

حضرت فرمود: به آنان بگو آیات نماز بر پیغمبر اکرم نازل شد، خداوند سه یا چهار رکعت بودن آن را برای مردم بیان نکرده تا آنکه آن حضرت آن را برای آنان تفسیر کرد.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۲۸۶، ح ۱

دوستان عزیز در حال حاضر قضیه «قرآنیون» در تمامی کشورهای اسلامی به ویژه ایران در حال گسترش است. یکی از خطرناک‌ترین فرقه‌ای که در طول این شصت سال اخیر ایجاد شده است، «فرقه قرآنیون» هستند.

آنها معتقدند که ما تنها تابع قرآن کریم هستیم. سنت، ظنی است و قرآن کریم هم می‌فرماید:

«إِنَّ الظَّنَّ لَا يَغْنَى مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»

گمان هرگز انسان را از حق بی‌نیاز نمی‌سازد.

سوره یونس (۱۰): آیه ۳۶

اولین بار این قضیه در دانشگاه الأزهر حدود هشتاد سال قبل مطرح شد. مسئولین، کسانی که طرفدار این تفکر بودند را از دانشگاه اخراج کردند، مدرکی که دانشگاه به آنها داده بود را باطل کردند و تمام مناصبشان را از آنها گرفتند. این قضیه بسیار مفصل است و من نمی‌خواهم در آن ورود پیدا کنم.

از همان زمان بیش از شصت سال است که از زمان «شریعت سنگلجی»، «کسروی»، «قلمداران»، «مصطفی طباطبایی» یا الآن «درایتی‌ها» در مشهد طرفدار این قضیه هستند.

این آقای درایتی سطح سه حوزه علمیه را گرفته، این را در کانال خود می‌گذارد و می‌گوید که من سطح سه حوزه را هم دارم!!

در حال حاضر این فرقه، فرقه خطرناکی هستند؛ زیرا قرآن منهای سنت، دیگر قرآن نیست. ما باید تمام آیاتی همانند:

(وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا)

آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید، و آنچه را از آن نهی کرده خودداری نمائید.

سوره حشر (۵۹): آیه ۷

و یا :

(وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ)

و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها تبیین کنی.

سوره نحل (۱۶): آیه ۴۴

و آیاتی که در مشروعیت سنت آمده است را از قرآن کریم حذف کنیم. مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در جلد اول کتاب «جامع أحادیث الشيعة»، هفتاد و دو دلیل از قرآن و سنت، بر مشروعیت سنت آورده است.

در هر صورت امام صادق می‌فرماید: به این افراد بگویید که اگر ملاک، قرآن کریم است، شما دو رکعت نماز صبح خود را از قرآن کریم برای ما اثبات کنید. آن‌ها قادر به انجام این کار نیستند.

پیغمبر اکرم آیات الهی را تفسیر کرده است و فرموده است: نماز صبح را دو رکعت بخوانید، رکوع دارد، سجده دارد، تشهد دارد، سلام دارد، شکایات چنین است، سهویات چنین است، مبطلات چنین است.

رسول گرامی اسلام همچنین نماز ظهر، نماز مغرب و نماز عشاء را برای ما از قرآن کریم تفسیر کردند.

«وَلَمْ يَسْمُ لَهُمْ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ دِرْهَمًا دِرْهَمًا حَتَّىٰ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ»

و آیات زکات بر ایشان نازل شد، اما در آنها نیامده بود که از هر چهل درهمی یک درهم زکات باید داد تا آنکه پیغمبر اکرم آن را برای آنان تفسیر کرد.

«وَ نَزَلَ الْحَجُّ فَلَمْ يَقُلْ لَهُمْ طُوفُوا أُشْبُوعًا حَتَّىٰ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ هُوَ الَّذِي فَسَّرَ ذَلِكَ لَهُمْ»

آیات حج نازل شد و در آنها به آنان گفته نشد که هفت بار طواف کنید تا آنکه پیغمبر اکرم آن را برای آنان تفسیر کرد.

ما روایات متعددی در منابع اهل سنت داریم که چنین است:

«كَانَ جِبْرِيلُ يَنْزِلُ عَلَى النَّبِيِّ بِالسَّنَةِ كَمَا يَنْزِلُ عَلَيْهِ بِالْقُرْآنِ»

جبرئیل سنت را بر پیغمبر اکرم نازل می‌کرد، همانطور که قرآن را بر حضرت نازل می‌کرد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی، الناشر: دار المعرفة - بیروت، ۱۳۷۹، رقم کتبه وأبوابه وأحادیثه: محمد فؤاد عبد الباقي، علیه تعليقات العلامة: عبد العزيز بن عبد الله بن باز، ج ۱۳، ص ۲۹۱

فرق سنت با قرآن کریم این است که قرآن معجزه است و تحدی دارد، اما سنت معجزه نیست و تحدی در آن نیست. «ابوحنیفه» می‌نویسد:

«لولا السنة ما فهم احد منا القرآن»

اگر سنت نبود، هیچ کدام ما یک آیه قرآن را نمی‌فهمیدیم.

المستخرج على المستدرک للحاکم، اسم المؤلف: أبي الفضل زين الدين عبد الرحيم بن الحسين العراقي، ج ۱، ص ۱۵

«البانی» لیدر وهابیت می‌گوید: اگر سیبویه زمانتان یا ادیب‌ترین ادیب عصرتان هم باشید، چنانچه سنت نباشد نمی‌توانید قرآن کریم را بفهمید.

امام صادق می‌فرماید: قرآن کریم نماز را به صورت کلی بیان کرده است و بیان نماز هم به عهده پیغمبر اکرم بوده است. در ادامه می‌فرماید:

«و نَزَلَتْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ وَ نَزَلَتْ فِي عَلِيٍّ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص فِي عَلِيٍّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيَ مَوْلَاهُ»

و آیه اولی الامر در باب علی و حسن و حسین نازل شد و پیغمبر اکرم درباره علی بن ابی طالب فرمود:
هرکس من مولای اویم علی مولای اوست.

«وَقَالَ أُوصِيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِي»

نیز فرمود: شما را به کتاب خدا و اهل بیت سفارش می‌کنم.

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱، ص

۲۸۶، ح ۱

خداوند متعال آیات:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آنها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

و:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ)

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

و:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي)

امروز دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم.

(وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)

و اسلام را به عنوان آئین (جاودان) شما پذیرفتم.

سوره مائده (۵): آیه ۳

شیعه و سنی نقل کردند که رسول گرامی اسلام در کنار این آیات فرمود: مراد از (وَلِي) در آیه ولایت، علی بن ابی طالب است. مراد از (مَا) موصول در آیه (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) ولایت علی بن ابی طالب است.

این عبارات تنها مربوط به شیعیان نیست. اگر شما کتب اهل سنت را هم نگاه کنید، به این نتیجه می‌رسید. «آلوسی سلفی» کتابی به نام «روح المعانی» دارد.

کتاب او در مجموع کتاب خوبی است، اما با شیعه بنای ناسازگاری دارد. او وقتی به «مرحوم شیخ مفید» و بزرگان شیعه می‌رسد، آن‌ها را - نستجیر بالله - به «کلب» و «خنزیر» تشبیه می‌کند!!

با این حساب او در کتاب تفسیری «روح المعانی» جلد ۶ صفحه ۱۹۳ ذیل آیه ۶۷ سوره مائده از «ابن مردویه» و او از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند:

«كنا نقرأ على عهد رسول الله يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك إن عليا ولي المؤمنين و إن لم تفعل
فما بلغت رسالته»

ما همگی صحابه در زمان پیغمبر اکرم این آیه را چنین می‌خواندیم: ای پیغمبر! به مردم بگو که علی ولی
امر مؤمنین است و اگر ولایت علی معرفی نشود رسالت تو ناتمام است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد
محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ٦، ص ١٩٣، باب المائدة: (٦٧) یا
أيها الرسول... ..

او این روایت را با کلمه «کان» که دلیل بر استمرار است، و نیز کلمه «کنا» نقل می‌کند که دال بر جمع است! آیا از
این بهتر و واضح‌تر بیان کند؟! «شهد شاهدٌ من أهلها»!

آقای «سیوطی» در کتاب «الدر المنثور» جلد ٢ صفحه ٢٩٨ همین تعبیر را آورده است. آقای «شوکانی» وهابی، در
کتاب «فتح القدير» جلد ٢ صفحه ٦٠ همین روایت را از «عبدالله بن مسعود» نقل می‌کند.

اگر قرار است ملاک، قرآن کریم باشد، شما یک رکعت نماز را از آیات قرآن کریم استنباط کنید ما از شما قبول
می‌کنیم.

حال ما علی بن ابی طالب را کنار گذاشتیم و شما هم ادعا می‌کنید که ابوبکر خلیفه است و می‌گویید: هرکسی
امامت و خلافت ابوبکر را قبول نداشته باشد، کافر است. در کجای قرآن کریم خلافت ابوبکر آمده است؟

شما ادعا می‌کنید که آیه ١١ سوره نور و آیه افک در رابطه با عایشه است. ما هرچه می‌گردیم اسم عایشه را در این
آیه نمی‌بینیم. شما از کجا چنین حرفی را ادعا می‌کنید؟ شما ادعا می‌کنید که سنت معین کرده است.

اهل سنت معتقدند آیه ۴۰ سوره مبارکه توبه، آیه غار در حق ابوبکر است و ادعا می‌کنند هرکسی منکر نزول این آیه در حق ابوبکر باشد، کافر است!! ما هرچه می‌گردیم اسمی از ابوبکر در آیه غار نیست. می‌گویند نه آقا، سنت این را معین می‌کند!

همان سنت که می‌گوید آیه غار در رابطه با ابوبکر است و آیه ۱۱ سوره نور در رابطه با عایشه است، همان سنت هم می‌گوید آیه ۶۷ و ۵۵ و ۳ سوره مائده و آیه اولی الامر در رابطه با ولایت علی بن ابی طالب است. یک بام و دو هوا که نمی‌شود.

پرسش:

در رابطه با روایاتی که در مورد حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بیان کردید اشکال وارد است. جوابی که دادید، جواب دقیق نیست.

جواب این است که وقتی پیغمبر اکرم فرمودند: "هرکسی فاطمه را اذیت کند، مرا اذیت کرده است" و "فاطمه پاره تن من است"؛ وقتی حضرت فاطمه زهرا با ابوبکر و عمر قهر کردند، ابوبکر و عمر رضایت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را تا آخر عمر نگرفتند.

با وجود اینکه پیغمبر اکرم فرمودند هرکسی بخواهد فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است و اگر تو دختر ابوجهل را بگیری مرا اذیت کردی، حضرت امیرالمؤمنین با اینکه کار گناهی نمی‌خواست کند و ازدواجش مشکل نداشت. در نهایت عمر و ابوبکر تسلیم فرمایش پیغمبر اکرم نشدند، اما حضرت امیرالمؤمنین تسلیم فرمایش پیغمبر اکرم شدند و از این ازدواج خودداری کردند و رضایت حضرت فاطمه زهرا را جلب کردند.

پاسخ:

من صد در صد فرمایش شما را تکذیب می‌کنم. بنده منظور شما را تا آخر خواندم. شما می‌فرمایید که امیرالمؤمنین رضایت حضرت فاطمه زهرا را به دست آورد و از ازدواج صرف نظر کرد. بنده عرض می‌کنم که این قضیه از بیخ دروغ است. دروغ است. دروغ است!

پرسش:

حاج آقا این ادعاست، دلیل بیاورید. «نحن ابناء الدلیل»!

پاسخ:

من عبارت «شیخ صدوق» را آوردم که می‌گوید این افترا را دشمنان امیرالمؤمنین بستند. ما نتوانستیم یک روایت صحیح در منابع شیعه پیدا کنیم که اصلاً قضیه خواستگاری امیرالمؤمنین واقعیت داشته باشد. فرضاً هم چنین قضیه‌ای حقیقت داشته باشد، روایت «شیخ صدوق»، همه این روایات را به دیوار می‌زند.

می‌فرماید: این روایت را دشمنان امیرالمؤمنین به حضرت افترا بستند. این تعبیر امام صادق است و ما نباید اجتهاد در برابر نص کنیم.

کسی که می‌خواهد حرف بزند، باید بگوید که در فلان کتاب، جلد فلان، صفحه فلان حدیث فلان این روایت آمده است و سند آن هم صحیح است. در این صورت ما فرمایش شما را می‌بوسیم و روی چشمان می‌گذاریم.

اینجا جلسه منبر نیست که ما روضه خوانی کنیم و مردم هم گوش کنند. بنده هر حرفی می‌آورم، تصویر کتاب را به پرده می‌دهم و همه دوستان هم آن را می‌بینند. بنده اگر نیاز باشد بحث سندی را هم انجام می‌دهم.

ما بیست سال در حوزه علمیه تدریس رجال داشتیم. اگر قرار باشد دو نفر در حوزه علمیه در علم رجال تخصص داشته باشند، به فضل الهی ما یکی از آن دو نفر هستیم.

وقتی که بنده سند یک روایت را نگاه کنم، می‌توانم تشخیص بدهم که آیا این سند ارسال دارد یا ندارد. روایت کتاب «علل الشرایع» هم دو مجهول دارد و سه یا چهار راوی حذف دارد. این روایت مرفوعه هست و حتی نمی‌توان به آن استناد کرد.

آیا «خواب» و «استخاره» از راههای شناخت امام است؟

عزیزان ما، چند سؤالاتی در رابطه با ادعای یمانی آوردند که آنها به خواب و استخاره استناد می‌کنند. بنده تنها در عرض یک دقیقه جواب ایشان را عرض کنم که می‌گویند مدعیان یمانی به استخاره یا خواب استدلال می‌کنند. مدعیان یمانی ادعا می‌کنند که هرکسی خواب دید که «احمد الحسن» امام هست و فرستاده امام هست، ما قبول می‌کنیم.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«فَإِنَّ دِينَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَعَزُّ مِنْ أَنْ يَرَى فِي النَّوْمِ»

دین خدا عزیزتر از آن است که ما بخواهیم به وسیله خواب صحت آن را اثبات کنیم.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۳، ص

۴۸۲، ح ۱

این قضیه در رابطه با مسئله وضو است که افرادی معتقدند که روش صحیح وضو گرفتن را در خواب دیدند. امام صادق در مورد مسائل فرعی هم می‌فرمایند که ما نمی‌توانیم حقانیت آن را به وسیله خواب اثبات کنیم. حال این افراد ادعا می‌کنند که شما حقانیت «احمد الحسن» را در خواب ببینید!!

اما درباره استخاره، خود «احمد» در کتاب «الجواب المنیر» جلد ۶ صفحه ۵۹ سؤال ۵۵۰ از «احمد الحسن» سؤال کردند که: "ما در کشورهای اروپایی هستیم و نمی‌دانیم گوشتی که در قصابی‌هاست حلال است یا خیر. ما استخاره می‌کنیم و اگر استخاره خوب آمد، از قصابی گوشت می‌گیریم. همچنین اگر استخاره بد آمد گوشت نمی‌گیریم." «احمد الحسن» در جواب گفته است: "برای اینکه تشخیص بدهید گوشت حلال است یا حرام است، نمی‌توان به استخاره استناد کرد."

عجب! برای خریدن یک گوشت نمی‌توانیم به استخاره استناد کنیم، اما برای اینکه بدانیم او فرستاده امام زمان است و آمده است چنین و چنان کند، باید به استخاره استناد کنیم؟ به علاوه روایتی از امام صادق داریم که حضرت می‌فرماید:

«لَا تَتَّقَلُ بِالْقُرْآنِ»

الکافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۲، ص

۶۲۹، ح ۷

طبق این روایت تفأل به قرآن مذموم است. «احمد الحسن» ادعا می‌کند که تفأل کنید و ببینید اگر آیه خوب آمد، پس من فرستاده امام زمان هستم. و اگر آیه بد آمد به این معناست که من فرستاده امام زمان نیستم.

این استخاره نیست، بلکه تفال است. میان «استخاره» و «تفال» تفاوت وجود دارد. به عنوان مثال شخصی استخاره می‌کند که فرزندش دختر است یا پسر است. در این زمینه جای استخاره و تفال نیست.

این عبارت «احمد الحسن» و این هم نظر امام صادق (علیه السلام) است. این جواب بسیار مختصر و مفید برای افرادی است که ادعا می‌کنند ما می‌توانیم حقانیت «احمد الحسن» را با استخاره یا خواب تشخیص بدهیم.

جواب عوام پسند دیگر در این زمینه این است که خداوند عالم صد و بیست و چهار هزار پیغمبر فرستاده است که تمامی آنها اوصیاء داشتند. ما در میان پیامبران و ائمه اطهار یک نفر سراغ نداریم که برای حقانیت خود به خواب و استخاره استناد کرده باشد.

یک نفر از انبیاء و اولیاء نبودند که دستور داده باشند شما خواب ببینید که من پیغمبر هستم یا خیر. کسی از انبیاء سراغ نداریم که فرموده باشند شما استخاره کنید که من حق هستم یا نیستم!!

امیرالمؤمنین هیچگاه بر فراز منبر به خوارج و مردم کوفه نفرمودند که به قرآن تفال بزنید و ببینید که من امام بر حق هستم یا خیر!

چنین چیزی در میان انبیاء و اولیاء و اوصیاء الهی سابقه نداشته است. این ادعاها، ادعاهایی کذب برای گمراه کردن مردم است.

این ادعاها در حقیقت همان تعبیر امام صادق (علیه السلام) است که فرمود: قبل از ظهور حضرت ولی عصر، دوازده دجال خواهند آمد که اولین آنان از بصره است. مصداق اتم فرمایش امام صادق، همین «احمد الحسن بصری» است.

بنده عرایضم را در اینجا خاتمه می‌دهم. ان شاءالله مداح عزیزمان همه ما را به فیض کامل می‌رسانند. صلواتی ختم
بفرمایید.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته